

# جامعه‌شناسی آمریکایی

جامعه‌شناسی آمریکایی در طول بیش از یک قرن نتوانسته است صورت و محتوای واحدی داشته باشد. عواملی که در این گوناگونی مؤثر بوده‌اند وجود افراد، عناصر فرهنگی، نیازها، تألیفات، و توجه به جامعه‌شناسی می‌باشند. دوره اول:

جامعه‌شناسی آمریکایی در مرحله اول (۱۹۳۰ - ۱۸۲۱) دوره تأسیس و انتقال آرام و نظریات متفکرین دوره کلاسیک می‌باشد. در این مرحله افرادی چون وارد، ناپکو، گیدینگز، کولی، اسمال، سامنر، مک ایور، توماس و زنانیکی، ویلن و کریو Kareyev حضور دارند. ● سال ۱۵۵۳ را که مصادف با تألیف کتاب جامعه‌شناسی دینامیک توسط لستروارد Lesterward می‌باشد شروع جامعه‌شناسی در آمریکا دانسته‌اند. تا سال ۱۹۱۰ که مصادف با تألیف مقاله دربارهٔ روبرت پارک می‌باشد پایان مرحله اول شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی در آمریکا تلقی گردیده است. البته عده‌ای پایان جنگ جهانی اول را پایان این مرحله در جامعه‌شناسی در آمریکا دانسته‌اند. در این دوره جامعه‌شناسان آمریکایی در پی ۱- یادگیری جامعه‌شناسی ۲- ترکیب ایده‌ها جهت طرح نظریه‌های جدید بوده‌اند. اسمال چهار اصل عمده را وجه مشترک جامعه‌شناسان این دوره می‌شناسد. ۱- جستجو برای یافتن قوانین عملی رفتار انسانی که معادل یا قوانین موجود در علوم طبیعی است ۲- تغییر اجتماعی را چون تکامل اجتماعی و رشد، تعبیر می‌نمودند ۳- سرعت بخشیدن به روند رو به رشد رفتار انسانی را بواسطه ملاحظات انسانی می‌دانستند. ۴- رفتار اجتماعی و جامعه را چون رفتار فردی که به انگیزه‌های افراد در جامعه برمی‌گشت تلقی می‌کردند. در این دوره برای جامعه‌شناسی و

جامعه‌شناسان اتفاقات عمده‌ای روی داده است:

- ۱) تألیف کتب بسیاری که بعد از آن در شکل دهی کلیت جامعه‌شناسی آمریکایی مؤثر بوده‌اند.
- وارد جامعه‌شناسی پویایی مارکس ۱۸۸۲
- وارد عوامل روانی تمدن ۱۸۹۳
- ناویکو تنازعات میان جوامع انسانی ۱۸۹۳
- وارد اولین متن جامعه‌شناسی ۱۸۹۳
- گیدینگز اصول جامعه‌شناسی ۱۸۹۶
- وارد عناوین جامعه‌شناسی ۱۸۹۸
- کولی طبیعت انسانی و نظم اجتماعی ۱۹۰۲
- اسمال جامعه‌شناسی عمومی ۱۹۰۵
- وارد بنیانگذاری جامعه‌شناسی آمریکایی ۱۹۰۵
- مک ایور جامعه‌شناسی کاربردی ۱۹۰۶
- توماس و زنانیکی اجتماع ۱۹۱۷
- دهقان لهستانی ۱۹۱۸

۲) مرگ بسیاری از بنیانگذاران علم جامعه‌شناسی در این دوره اتفاق افتاده است.

سال وفات	جامعه‌شناس
۱۹۰۳	وارد
۱۹۰۹	سامنر
۱۹۲۶	اسمال
۱۹۲۹	کولی
۱۹۲۹	ویلن
۱۹۲۹	کریو
۱۹۳۱	گیدینگز

بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، بنیانگذاران جامعه‌شناسی آمریکا در قرن نوزدهم (وارد، سامنر، گیدینگز و اسمال) در دهه

اول و دوم و سوم قرن بیستم درگذشته‌اند. مرگ جامعه‌شناسان در دهه‌های آغازین، به منزلهٔ پایان جامعه‌شناسی دوره آغازین در آمریکا است.

۳) مجله آمریکایی جامعه‌شناسی The American Journal of sociology توسط اسمال در سال ۱۸۹۵ تأسیس شد. این مجله از آغاز با جدیت جامعه‌شناسان آمریکایی پس از تأسیس دنبال گردیده و در حال حاضر نیز ماهیانه انتشار می‌یابد. در سالهای آغازین در طول بیست سال ۱۹۱۵ - ۱۸۹۵، اسمال حدود ۳۸ مقاله، وارد ۲۲ مقاله، دانشجویان اسمال حدود ۱۷ - ۱۴ مقاله جامعه‌شناسان خارج از مکتب شیکاگو (روس، گیدینگز، کولی، ۷ - ۴ مقاله و سامنر فقط دو مقاله داشته‌اند. توجه این گروه از جامعه‌شناسان عاملی در بقای مجله فوق بوده است.

۴) انجمن جامعه‌شناسی آمریکایی - Ameri-can sociology Associaton در سال ۱۹۰۵ تأسیس گردید وارد، سامنر، کولی، گیدینگز، روس، اسمال و کولی با مشارکت جدی و ارائه مقالات بسیار در سمینارهای سالیانه عاملی در بقای انجمن بوده و هر یک نیز مشمول انجمن بوده‌اند وارد اولین رئیس انجمن، سامنر معاون او بود. در سالهای بعد گیدینگز و اسمال نقش فعالی به‌عهده گرفتند. سپس روس (ROSS) و کولی سالهای بعد مسئولیت انجمن را یافتند.

۵) در این دوره بیشترین دانشجویان در رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شیکاگو بوده‌اند. از میان ۱۰۰ رساله در جامعه‌شناسی بیش از ۲۰ عدد در دانشگاه شیکاگو نوشته شده است.

۶) جامعه‌شناسی در این دوره با گرایشهایی چون «داروینیزم اجتماعی» و وجود شناسی اجتماعی قابل تعریف است.

دوره دوم:

دومین دوره شکل گیری جامعه شناسی در آمریکا را مصادف با زمان و دوره بین دو جنگ جهانی اول و دوم تلقی کرده اند.

پارک، کولی و روس جامعه شناسان اصلی دوره دوم می باشند. جامعه شناسی در این دوره دارای چندین ویژگی عمده است؛ ۱- تلاش اصلی در اشاعه جامعه شناسی علمی و دانشگاهی است. ۲- جستجو برای طرح متدولوژی تحقیق یکی از عمده ترین ضرورتها تلقی گردید. ۳- تلاش در علنی تر نمودن جامعه شناسی و کمتر نظری ساختن آن بوده است. ۴- مطالعه زندگی شهری (بواسطه پارک و مکتب شیکاگو) ویژگی عمده دیگر این دوره است. مطالعه شهر بر اساس نقطه نظر محیط شناسی انسانی می باشد. در این نوع مطالعه که متأثر از رشد مکتب شیکاگو بود، مسائلی چون طلاق، ناپسمانی اجتماعی، ارتباطات توده ای، اختلافات نژادی و قومی و آسیب های اجتماعی مسایل عمده تحقیق بوده اند.

بر سر قدرت آمدن فاشیسم در آلمان و ایتالیا و پایان جنگ دوم جهانی زمینه ساز مهاجرت تعداد بسیاری از متفکرین برجسته کشورهای اروپایی و آسیایی به آمریکا بود. حضور جامعه شناسان جدید در آمریکا عاملی در توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقات اجتماعی و برقراری حوزه های جدید فکری جامعه شناختی گردید. دوره سوم:

دوره سوم رشد جامعه شناسی در آمریکا پس از جنگ دوم جهانی آغاز گردید و تا زمان اقتدار گرایش برد متوسط، مرتن و همکارانش ادامه داشته است.

اساس تبدیل دوره دوم به دوره سوم رشد جامعه شناسی وجود متدولوژی جدید تحقیق و اجتناب کردن از مطالعات با برد کلان و خرد بوده است. افرادی چون مرتن، بلومسر، مک ایور شاخص ترین جامعه شناسان دوره سوم می باشند.

جامعه شناسی در دوره سوم دارای چندین ویژگی است. ۱- دریافت تکنیکهای تحقیق و بکار بردن آنها در مطالعات اجتماعی، کارهای هربرت بلومسر در نظریه کش متقابل نمادی و رویوت مرتن در کارکرد گرایمی ساختی و اروین کافمن در اتنو متدولوژی از موارد عمده این جهت گیری می باشند. ۲- دنبال نمودن مطالعات طراحی شده در مرحله اول و دوم چون مطالعات

شهری و آسیب های اجتماعی. ۳- افزایش جریان تخصصی تر شدن جامعه شناسی استمرار یافته و مجلات جدید، کتب بسیار زیاد تألیف گردیده است. ۴- سازمان جامعه شناسی (انجمن های علمی مربوط به آن) گسترش یافته است. ۵- حوزه های جدید در جامعه شناسی ایجاد گردید. جامعه شناسی خانواده، ازدواج، صنعتی، ارتباطات، پزشکی، بازنشستگی و مطالعات گروههای کوچک از عمده ترین حوزه های جامعه شناسی در دوره سوم می باشد. ۶- جامعه شناسی در این دوره مورد توجه مراکز خارج از دانشگاه قرار گرفته و تعداد بسیاری از جامعه شناسان در مراکز تجاری و صنعتی استخدام گردیدند.

در این دوره جامعه شناسی آمریکا (۱۹۳۰ تا ۱۹۵۵) مسائل جنگ جهانی اول و دوم زمینه ساز مطالعات جدید و عمده ای شده که در ساختار جامعه شناسی اثر گذاشته است. مشخصات جامعه شناسی در این دوره را می توان به شرح زیر مطرح ساخت.

۱) مسئله اصلی جامعه شناسی دست یابی به یک نظم کلان و ساختی است.

۲) جامعه شناسان عمده ای در این دوره به بحث و گفتگو پرداخته اند. پارسونز، مک ایور، مرتن، سوروکین، هومتز، نیست، میلتز و میدلز عمده ترین آنها می باشند.

۳) کتب عمده ای در این دوران تألیف شده است. روشهای جامعه شناسی بواسطه زنانیکی (۱۹۳۴)، ساعت کنش اجتماعی پارسونز (۱۹۳۷)، بنیانهای جامعه شناسی لاندبرگ (۱۹۳۰)، حلیت اجتماعی مک ایور (۱۹۴۲)، سرچشمه اصلی تمدن هانتینگتون (۱۹۴۵)، تئوری اجتماعی و مناسبت اجتماعی مرتن (۱۹۴۹)، از عمده ترین تألیفات این دوره می باشد.

۴) در این دوره با مرگ توماس (۱۹۴۷)، میلتز (۱۹۶۲) و روبرو می شویم.

۵) در جریان جنگ جهانی دوم تعداد بسیاری از جامعه شناسان اروپایی (از آلمان و ایتالیا) به دلیل رشد فاشیسم و نازیسم به آمریکا مهاجرت کردند. حضور این افراد در آمریکا موجب شد تا کتب بسیاری به زبان انگلیسی ترجمه شود. کتب زیمل، لیپرت، روبر، تونیس، وایز، Weise، کنت، دورکهایم، لین، Lebon، تشارد و دیگسرون از عمده ترین آنهاست.

### جامعه شناسی در آمریکا از دانشگاهها شروع گردیده است در حالی که در کشورهای اروپایی، جامعه شناسی خارج از دانشگاه رشد نموده است.

۶) در این دوره افراد جدیدی در جامعه شناسی مطرح گردیدند. جامعه شناسان در حوزه های متفاوت بودند. پارک در شیکاگو، سوروکین و پارسونز در هاروارد، و مک ایور در کلیفیا مطرح شدند.

۷) حوزه های جدیدی در جامعه شناسی مطرح شد. الف) مشکلات اجتماعی خصوصاً مسائل شهری (شهر صنعتی شیکاگو) و ب) گوناگونی نژادها و فرهنگها مطرح گردید.

۸) روانشناسی اجتماعی، رفتارگرایی، فلسفه عمل گرایی (دیویی، کگللی و مید) بر جامعه شناسی اثر گذارد.

۹) جامعه شناسی در این دوره با ویژگیها و صفاتی قابل تعریف است.

۱. تمایل به عینیت گرایی

۲. تجربی بودن

۳. داشتنی روش علمی

۴. مطرح شدن جامعه شناسی به عنوان علم محض.

جامعه شناسی در این دوره از طرف افراد، گروهها، دانشگاهها و دولت مرکزی حمایت شده و از آن در بررسی مسایل و مشکلات اجتماعی استفاده می شد.

از ۱۹۵۵ تا پایان دهه ۸۰ (۱۹۷۵) دوره جدید جامعه شناسی در آمریکا شروع می شود. در این دوره مسائل جدیدی مطرح است.

۱. جامعه شناسی بیشتر به مطالعه خودش تا جامعه می پردازد. ۲. تئوریهای جدیدی چون کارکرد گرایی ساختی، کش متقابل، مبادله و

تقابل مطرح گردید. ۳. دیدگاه انتقادی یکی از عمده ترین عناصر جامعه شناسی با کارهای سی رایت، میلز، بارینگتن مور، و عده ای از مارکسیست های جدید مطرح گردید. ۴. به زعم کالینز Collins ریشه های شکل گیری بحران در جامعه شناسی که در حال حاضر نمود یافته است. به این دوره برمی گردد. (۵). تعامیل شدیدتری به ارتباط بین مطالعات نظری و تجربی بر اساس نظریات مرتن ایجاد گردید.

#### دوره چهارم:

مرحله چهارم رشد جامعه شناسی را می توان از پایان دهه ۷۰ تاکنون در نظر گرفت. در این دوران با افزونی جامعه شناسان (از لحاظ روش تحقیق، گرایش و تعلق نظری در تحقیق، و موقعیت های اجتماعی و جغرافیایی) روبرو می باشیم. همه گرایش های جامعه شناختی (با برد غرض، کلان، و متوسط)، روش های تحقیق (تاریخی، مقایسه ای، اسنادی، آماری، و بکارگیری تکنیک های تحقیق)، نوامی مورد استفاده قرار گرفته اند. بطور کلی دوره چهارم رشد جامعه شناسی با چندین ویژگی از دوره های پیشین قابل تفکیک است: ۱. تمام گرایش های نظری تحقیق به شکلی دنبال شده اند. ۲. بکارگیری تکنیک های تحقیق در گسترش روش های تحقیق امکان پذیر گردیده است. ۳. اکثریت تئوری های دوره های پیشین به لحاظ ضعف هایشان مورد بازبینی قرار گرفته اند. ۴. گرایش مارکسیستی در جامعه شناسی آمریکا با پیدایش مکتب تقابل شکل گرفته و عنصر نفی، تحول، تقابل، و تضاد را وارد جامعه شناسی ساخته است. ۵. در دهه ۹۰ حساسیت اصلی جامعه شناسان به سوی طرح نظریات و متدولوژی های تحقیق ترکیبی گردیده است.

جامعه شناسی در این دوره را با ویژگی های زیر می توان تعریف کرد.

(۱) در این دوره جامعه شناسی با مرگ پارسونز، مید، هانا آرنز و... مصادف است.

(۲) تعامیل به مطالعات ترکیبی و بین رشته ای شدت یافته است.

(۳) بازنگری جدی برای رفع مشکلات و بحران سازمانی در جامعه شناسی آغاز شده

است.

(۲) جامعه شناسی از تئوری های مسلط (کارکردگرایی ساختی یا کنش متقابل) بدور شده و در مقابل دچار تنوع بسیاری در تئوری ها شده است.

#### مشخصات و ویژگی های جامعه شناسی

جامعه شناسی در آمریکا از جامعه شناسی در دیگر کشورها (از قبیل آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلستان) متفاوت می باشد. این تفاوت مبنی بر ویژگی های چند است که عبارتند از:

۱- بسیاری از جامعه شناسان آمریکایی در جهت تولید و اندیشه و فرهنگ جامعه شناختی دست به تألیفات زده اند. از اینرو به گسترش جامعه شناسی با هدف تولید فرهنگ و ایدئولوژی بوده اند. مثلاً تالکوت پارسونز سعی نموده است تا با طرح دیدگاه کارکردی به ارائه دیدگاه کلان تفسیر اجتماعی بپردازد.

۲- متدولوژی تحقیق در جامعه شناسی آمریکایی متفاوت از روش تحقیق در آلمان و دیگر کشورها است تاکید اساسی بر مطالعه ای است که ویژگی اصلی جامعه شناسی آمریکایی است تجربه گرایی در جامعه شناسی آمریکایی در مقابل گرایش فلسفی جامعه شناسی اروپایی خصوصاً آلمانی است.

۳- جامعه شناسی در آمریکا بطور روزمره با مشکلات مربوط به رفتار انسانی روبرو است. از اینرو تئوری های با سطح خرد از قبیل تئوری کنش متقابل نمادی، تئوری مبادله، تئوری نقش، و تئوری عمل عقلانی در آمریکا شکل گرفته است و به جامعه شناسی آمریکایی جهت خاصی داده است.

۴- جامعه شناسی آمریکایی از بیشتر گرایش های جامعه شناسی جهان متأثر بوده است و انتخاب ایده ها بر اساس ضرورتها و شرایط متفاوت صورت گرفته است. از اینسرو جامعه شناسی آمریکایی، جامعه شناسی ترکیبی و چند سوبه (چند نظریه ای) است.

۵- جامعه شناسی در آمریکا از دانشگاهها شروع گردیده است در حالی که در دیگر کشورهای اروپایی شروع از دانشگاهها نبوده است شروع از دانشگاهها به جامعه شناسی ماهیتی سیستماتیک و استاندارد شده داده و در رقابت علمی نمادی شده است. پیشزمین سوروکین

مدعی است که جامعه شناسی آمریکایی همچون یک نوزاد در دانشگاهها مراقبت شده است در حالیکه در اروپا، جامعه شناسی در خارج از دانشگاه رشد نموده است. (۳)

۶- جامعه شناسی آمریکایی، مرحله تکامل یافته تر از جامعه شناسی اروپایی است زیرا بر اساس آن پی ریزی گردیده است. بعنوان مثال کارهای اسپنر در جامعه شناسی مورد توجه جامعه شناسان آمریکایی قرار گرفته و از آن دیدگاه «دوربین اجتماعی» شکل گرفت. فریس (Fris) (۱۹۲۵) مدعی است که اثر اندیشه های جامعه شناختی اسپنر بر جامعه شناسی آمریکا بیشتر به خاطر ایجاد حساسیت علمی بوده است.

جذابیت علمی اسپنر برای جامعه شناسان آمریکایی به لحاظ زمینه فکری او در زیست شناسی و مردم نگاری بوده که سامنر و گیدینگز در این زمینه بیشتر متأثر گردیده اند.

۷- رشد جامعه شناسی در آمریکا بطور تدریجی صورت گرفته است هر یک از بزرگان جامعه شناسی در آمریکا اثر متفاوت بر شکل گیری جامعه شناسی آمریکایی داشته اند. وارد تأکیدات نشانگر پانان و خدانشناسانه بر جامعه شناسی را کنسر نموده و در مقابل جهت گیری روحیه علمی را تشویق نموده است. (فریس ۱۹۲۵)

فـرـانـکـلـین جـ. گـیدـینگـز  
عامل طرح متدهای آماری در تحقیقات جامعه شناختی بوده است.

ادوارد ا. روس Edward A. ross وظیفه جامعه شناسی را کمک برای رفورم و اصلاح اجتماعی می دانست. از اینرو او و همکارانش دست به تألیفات بسیاری در زمینه اصلاحات اجتماعی زده و عاملی در رشد جامعه شناسی و قبول جمعی آن مؤثر بوده اند.

۸- جامعه شناسی آمریکایی از حوزه های جامعه شناختی آلمان (جامعه شناسانی چون ماکس وبر، ژوزف زیمل، کارل مارکس) گروه فرانسوی چون مکتب دورکهایم و کنت، و اسپنر در انگلستان متأثر گردیده است. افرادی چون پارک در شیکاگو، سوروکین و سپس پارسونز در هاروارد، مک اسپنر در کلمبیا دنبال کنندگان گرایش های فوق الذکر بودند.

ارتباط جامعه آمریکا (به لحاظ فرهنگی و علمی) با کشورهای اروپایی اولین عنصر در توسعه علم جامعه شناسی آمریکایی بوده است. جامعه شناسان آمریکایی به دنبال کردن تاریخ جامعه شناسان اروپایی علاقه مند بوده اند. در دوران پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از جامعه شناسان کشورهای اروپایی در اثر حاکمیت فاشیسم و نازیسم به آمریکا مهاجرت نموده و به تأسیس گروههای علمی و تحقیقاتی جامعه شناختی پرداختند. توسعه دانشگاههای هاروارد، نیواسکول، و جان هاپکینز از این موارد است.

۹- هینکل (۱۹۵۲) مدعی است که آغازگران جامعه شناسی در آمریکا تا قبل از قرن بیستم بیشتر پایگاه روستایی داشته اند تا شهری و حساسیت دینی و مذهبی عمده ای داشته اند این گروه از جامعه شناسان آمریکا وابستگی بیشتری به مذهب داشته و در جهت نهادی نمودن مذهب تلاش نموده و بدین استناد همه آنها نسبت به امور اخلاقی حساس بوده اند. هینکل مدعی است که سامنر، اسمال، و دیگر افراد مؤثر در رشد جامعه شناسی آمریکا در دهه آغازین قرن بیستم در دوره هایی کمک کار کلیسا بوده اند.<sup>۱</sup>

۱۰- به لحاظ زمینه روستایی و علائق مذهبی جامعه شناسان اولیه، شهری شدن، صنعتی شدن و وسایل مربوط به ایندو به عنوان مشکلات اجتماعی تلقی گردیده اند. روحانیت کلیساها و روشنفکران (هر دو گروه) با انحرافات جدید روبرو گردیده و در جهت رفع آنها پراکنده اند. طرح مسایل، نحوه بررسی و پاسخ، بخش عمده ای از ماهیت جامعه شناسی آمریکا را شکل داده است. مطالعه مشکلات و معضلات اجتماعی عمده ترین ویژگی جامعه شناسی آمریکایی می باشد.

۱۱- یکی از مشخصات عمده جامعه شناسی آمریکایی فردگرایی است. فردگرایی موجود در جامعه شناسی آمریکایی ریشه در فرهنگ و وجه نظرات سیاسی آمریکایی دارد که در سرتاسر قرن نوزدهم و بیستم خصوصاً از پایان جنگ جهانی اول شکل گرفته است گاسفیلد (Gusfield ۱۹۹۰) برای بیان دقیق تر وجود فردگرایی در فرهنگ آمریکایی به مقایسه تصور از فرد در آمریکا و ژاپن می پردازد. او مدعی است که در

فرهنگ آمریکایی، قوانین در جهت منافع فرد مبتنی بر رقابت است، در حالیکه در ژاپن قوانین در مورد فرد طوری تنظیم شده است که فرد بخشی از سیستم و سازمان اجتماعی می باشد.<sup>۲</sup>

۱۲- جامعه شناسی در آمریکا بعنوان بخش عمده ای از زندگی فکری، نظری، علمی، و آموزش مردم در بیش از چند دهه گذشته را تشکیل داده است. جامعه شناسی در کنار دیگر علوم اجتماعی نقش مشاور، راهنما، و کمک کننده برای افراد درگیر در مشکلات متعدد اجتماعی را داشته است. از اینرو می توان یکی از ویژگیهای جامعه شناسی آمریکایی را ارتباط با سیستم اجتماعی، آمریکایی دانست. بعبارت دیگر جامعه شناسی بخشی از سیستم اجتماعی گردیده و ویژگیهای کلی نظام اجتماعی از قبیل «محافظه کارانه بودن» را به عاریت گرفته است.

۱۳- یکی از ویژگیهای عمده دیگر جامعه شناسی آمریکایی وجود حوزه ها و گرایشهای خاص و متفاوت از جامعه شناسی در دیگر کشورهاست حوزه های خاص جامعه شناسی در آمریکا عبارتند از: مطالعات محیط شناختی شهری، مطالعات فرهنگی، جامعه شناسی نژادها، اقلیت ها، و مذاهب روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی روستایی، جامعه شناسی تغییرات، جامعه شناسی انحرافات و آسیب های احتمالی، جامعه شناسی زنان، جوانان، گروه های اجتماعی و سازمانهای اجتماعی.

۱۴- حمایتهای مالی از طریق دولت و سازمانهای غیر دولتی برای جامعه شناسی جهت انجام تحقیقات شهری و دشنایی به راه حلها عامل دیگر توسعه جامعه شناسی است. حمایت های مالی برای مطالعات مشکلات شهری و نژادی و قومی، ملی و جهانی بیشتر به سوی دانشگاهها صورت می گرفته است.

۱۵- جامعه شناسی آمریکایی به لحاظ تأثیر پذیری از ساختار سیاسی جامعه که مبتنی بر انحصار گرایی و تمایل بر تسلط جهانی دارد، تمایل جهان گرایی و جهان شمول دارد. از اینرو می توان آن را به عنوان ایدئولوژی جهانی گروهی از روشنفکران آمریکایی دانست به عنوان مثال پارسونز، مرتن، مورو دیگران از جامعه شناسی آمریکایی به عنوان جامعه شناسی همه افراد بشر یاد می کنند.

آمریکا بر اساس باور به اصلاح و رفورم تا انقلاب و تغییر ناگهانی بوده است در اینصورت مارکسیسم ایدئولوژی انقلابی بوده با ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ناسازگاری داشته و از اینرو امکانی برای رشد پیدا نموده و نظریه جامعه شناسی مارکسی در آمریکا رشد نموده؟

دلایل بسیاری در عدم طرح و رشد جامعه شناسی مارکسی در آمریکا وجود دارد.

۱. رشد يك دیدگاه علمی و نظری در آمریکا نیازمند به حمایت دولت (حمایت های مالی و سیاسی) داشته است. دولت آمریکا بطور اساسی مخالف با طرح هرگونه اندیشه مرتبط با مارکسیسم بوده است. ۲. تفکرات اجتماعی شکل یافته در آمریکا بر اساس باور به اصلاح و رفورم تا انقلاب و تغییرات ناگهانی بوده است. ۳. وجود گرایشهای جامعه شناختی چون کارکرد گرایی ساختی و کنش متقابل نمادی بطور غیر آشکار در نقد مارکسیسم بوده اند. ۴. عمده ترین مسئله ای که روشنفکران آمریکایی از دیر زمان بدان توجه نموده و آن را به عنوان موضوع محوری مطرح می نموده اند، نظم و ثبات تا تغییر بوده است روشنفکران در پی طرح نظریات اصلاح طلبانه که هدفش ایجاد ثبات و انتظام اجتماعی باشد، بوده اند. ۵. لازمی Larrabee (۱۹۲۲) مدعی است اندیشه ملت آمریکا بر اساس اندیشه دانشمندان اجتماعی طبیعت گرا همچون مورگان، وارد، ویلن Veblen گراهام سامنر، و بیرد تغذیه می شده است. و در نتیجه ریشه های جدید انسان شناسی، اقتصاد، سیاست، و جامعه شناسی دیدگاه طبیعی را الفشاء می کرده اند.<sup>۷</sup> و بطور طبیعی نوعی بی تفاوتی به دیدگاه تاریخی مارکسی را تبلیغ نموده است.

1) Hinkle, 1954

2) Barnes, Harry Elmer, and Howard Becker, Social Thought from Ibsen, P. 982

3) Hinkle 1980, P. 4

4) Zemerberg, L. Hans. A Guide to American sociology 1945-53 sociology in the United states of America. Pata

5) Hinkle, C. Rowan, and Garbis, Hinkle, 1954 The Development of modern sociology. Garden city: Doubleday

6) Gusfield, R. Joseph. Sociology's Critical Inevitability: centering American Individualism, in sociology in America 1990. Edited by Herbert J. Gans. Sage Publications.

7) Larrabee, A. Harold. Nationalism in America, in Y. Eriksson (ed), Nationalism and the Human spirit. New York: Columbia Press, 1944